



مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت

Human Rights & Eradication of Violence Organization 'Training & Empowerment of Young Professional Advocates in Afghanistan'

حمایت از حق حیات در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون منع خشونت علیه زن

ولی الله دریا

چکیده

اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون منع خشونت علیه زن، از جهاتی با هم تفاوت دارند یعنی یکی جهانی است و دیگری داخلی با این وجود، فلسفه وجودی وضع این دو حمایت از حقوق انسان به ویژه حق حیات می باشد و همچنان هر دو در قدم نخست به حقوق اساسی و بنیادین انسان می پردازند. از این رو حق حیات از حقوق اساسی انسان است و حقی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را در ماده سوم خود به صراحت مورد حمایت قرار داده و هر انسان دارای این حق بر اساس این که انسان است می داند همچنان علت و اساس وضع قانون منع خشونت علیه زن و اعلامیه جهانی حقوق بشر حمایت از این حق است حق حیات والاترین و با ارزش ترین حق مورد حمایت در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون منع خشونت علیه زن به شمار می رود. اعلامیه جهانی حقوق بشر حق حیات را از حقوق ذاتی انسان می داند به خاطر حمایت از حق مذکور میان انسان ها هیچ گونه تفاوت و تمایزی را نپذیرفته است. همچنان قانون منع خشونت علیه زن که اساس آن ماده ۲۴ و ۵۴ قانون اساسی می باشد انگیزه و اساس وضع این قانون حمایت از حقوق اساسی و بنیادین انسان است که اساسی ترین آن کرامت انسانی و حق حیات می باشد. قانون منع خشونت علیه زن بخاطر حمایت از این حق است که در روشنی احکام قانون اساسی وضع شده است. دارای اهداف مشخص و معین در حمایت از حقوق انسانی زنان و حقوق بشری آنها وضع شده است چون زنان همواره حقوق انسانی شان به دلیل اینکه زن هستند و زنان با مردان برابر نمی باشند و یا هم موجودات ضعیف هستند، مورد تجاوز قرار می گرفت و می گیرد و انواع خشونت بر آنها روا دیده می شد. به صورت های گوناگون حق زندگی و حیات شان سلب و از این حق محروم می شدند از این رو، قانون منع خشونت بخاطر حمایت از حقوق انسانی زنان، خصوصا در حمایت از حق حیات زنان وضع شده تا باشد حقوق انسانی آنها را در جامعه تحقق ببخشد و از آن حمایت نماید.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حق حیات، حفظ حق حیات، اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون منع خشونت علیه زن.

مقدمه

حقوق بشر، از بدو شکل‌گیری مورد حمایت بوده و امروزه به شکل ژرف‌تری پی‌گیری و حمایت می‌شود، در جنگ‌های که بین انسان‌ها و کشورها صورت گرفت و به صورت باور نکردنی حیات انسان‌های بی‌گناه گرفته شد به ویژه جنگ جهانی اول و دوم زیاده‌ترین تلفات انسانی را در پی داشت و این مسئله باعث شد که انسان‌ها برای حمایت از کرامت انسانی و حقوق اساسی و بنیادین خود و نسل‌های بعدی یک سری قواعد و مقررات را وضع نمایند تا کسی دیگر حق سلب حیات و تعرض بر کرامت انسانی و حق حیات شان را نداشته باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر حاصل چنین فرایندی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، پس از جنگ جهانی دوم توسط دولت‌ها بخاطر اینکه حقوق اساسی و بنیادین انسان‌ها سلب نشوند و احترام گذاشته شود در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در یک مقدمه و ۳۰ ماده به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. علت و انگیزه تصویب این اعلامیه را می‌توان احترام گذاشتن به حقوق ذاتی و طبیعی انسان دانست.

حق حیات انسان امروزه در قوانین داخلی، معاهدات جهانی مورد حمایت قرار دارد؛ اما با وجود این هنوز هم از تهدید و تعرض محفوظ نیست، راه‌های زیادی برای نقض این حقوق و مورد تجاوز قرار دادن آن وجود دارد؛ زیرا در عصر تکنالوژی هیچ گوشه‌ی از جهان وجود ندارد که از تهدید سلاح‌های هستوی محفوظ باشد، در دورترین نقطه جهان هم که باشد اگر دشمن بخواهد می‌تواند حیات انسان را به آسان‌ترین راه و زودترین فرصت در خطر اندازد؛ ولی این قواعد بین‌المللی باعث شده‌اند که حقوق اساسی و بنیادین انسان در هر گوشه جهان که باشد به صورت نسبی احترام گذاشته شده و مورد حمایت قرار داده شود. همچنان اصول حاکم بر روابط بین‌المللی، وجود معاهدات و اعلامیه‌های جهانی زمینه زیست مسالمت‌آمیز، برابری و برادری را برای انسان‌ها هدیه نموده و هر نوع تمایز و تفاوت نژادی، عقیدتی و ... را ممنوع قرار داده‌اند.

در این مقاله کوشش بر این است تا حمایت از حق حیات را در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون منع خشونت علیه زن، مورد بحث و بررسی قرار دهیم. در بحث نخست، مفاهیم حقوق بشر، حق حیات و حفظ این حق را به صورت فشرده بیان نموده و در بحث دوم، اعلامیه جهانی حقوق بشر و حق حیات در این اعلامیه توضیح داده شده و سپس حق حیات در قانون منع خشونت علیه زن، توضیح داده می‌شود و با یک نتیجه‌گیری به این نوشته به پایان می‌رسد.

مبحث اول - حقوق بشر

حقوق بشر، حقوق تمام افراد جهان است این حقوق به انسان از لحاظی اینکه انسان است داده شده و هیچ گونه تمایز و برتری در داشتن و صاحب شدن این حقوق پذیرفتنی نیست. این حقوق راهی است برای رسیدن به برابری، برادری و محو فاصله‌های که در طول تاریخ بین انسان‌ها به گونه‌ها و نام‌های متفاوت ایجاد شده است. اکنون حقوق بشر، به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. در واقع امروزه حقوق بشر برای بسیاری از افراد مترادف عدالت حقوقی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی است. حقوق بشر ابزاری را فراهم می‌آورد که به واسطه‌ی آن‌ها بتوانیم بدون در نظر گرفتن ملیت، طبقه، اعتقاد، جنسیت، قومیت و حتی وابستگی‌های ایدئولوژیک برای غلبه بر ظلم و تبعیض گام برداریم حقوق بشر، که صرفاً به واسطه‌ی انسان بودن به تمام انسان‌ها تعلق دارد، نوید بخش غلبه بر موانع و مرزبندی‌های است که باعث جدایی ما از یکدیگر می‌شود. (کوکبی و خدایی، www.openasia.org).

از حقوق بشر تعریف‌های گوناگون شده است. در اینجا با ذکر یک یا دو نمونه از آن‌ها بسنده می‌کنم. در تعریف حقوق بشر گفته اند: حقوق بشر، عبارت از مجموعه حق‌های است که به موجب انسانیت انسان، مشتق گردیده است (طیبی، ۱۳۹۵: ۳۶).

در تعریف دیگر، جک دانلی می‌گوید: حقوق بشر، همان حقوقی است که هر انسان از آن رو که انسان است، از آن برخوردار می‌شود (همان، ۱۳۹۵: ۳۶).

تعاریف فوق که چندان تفاوت با هم ندارد دو نکته را با صراحت، بیان می‌کند. نکته اول اینکه حقوق بر همه انسان‌ها تعلق می‌گیرد و دوم اینکه این حقوق مبتنی بر ذات و طبیعت انسان‌هاست هیچ امر جداگانه‌ی وجود ندارد که نقض این حقوق را توجیه نماید.

الف- حق حیات

حق حیات حق زندگی، زنده ماندن، سلامت روحی و جسمی است، حق در ترکیب حیات آمده است و در اینجا حق حیات را می‌توان امتیاز، سلطه و قدرت به داشتن زندگی، زنده ماندن و زندگی کردن معنا کرد تفاوت حق حیات با دیگر حقوق، در این است حق حیات اختیاری و قابل اسقاط نیست؛ اما دیگر حقوق مانند حق مالی قابل اسقاط هستند.

حق حیات از حقوق اساسی و بنیادین بشر است که در تمام معاهدات، اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مورد حمایت قرار گرفته است، حق حیات، حقی است که هیچ کسی حق و صلاحیت سلب آن را به صورت دلخواه و خودسرانه ندارد و نمی‌تواند اختیار و تسلط بر آن را داشته باشد یعنی نمی‌تواند حیات و زندگی خود را از بین ببرد و یا آن را

مورد خرید و فروش قرار بدهد. چون جسم انسان همانند اشیا و اموال قابل معامله نیست و هر معامله‌ای روی جسم انسان که حیات او را سلب کند به دلیل مخالفت با نظم عمومی باطل است. (رسولی، ۱۴:۱۳۹۶).

البته، حق حیات را ادیان، اسلام، مسیحیت، یهودیت و زردشتی نیز حمایت قرار داده است. چنانکه سقط جنین، گرفتن حیات یک انسان محسوب می‌شود. در دین زردشت، سقط جنین به هیچ بهانه‌ای روا یا قابل چشم پوشی نیست، درجه مخالفت با سقط جنین در آیین زردشت به حدی است که این عمل با قتل عمدی برابردانسته می‌شود (احسانی و مفتاح، coth.ui.ac.ir).

در دین یهود بر ضرورت حفظ حیات انسانی تاکید شده است چنانکه، در این دین حکم "قتل مکن" یکی از احکام ده فرمان است که به ضرورت حفظ حیات انسان تاکید دارد. (همان).

دین مسیحیت اجرای حکم قصاص را ضامن حفظ حیات دانسته شده است. در دین اسلام نیز آیات و روایات در مورد حمایت از حق حیات وجود دارد. از جمله آیه ۲۹ سوره نسا، آیه ۳۲ سوره مایده و همچنان آیه ۳۳ سوره اسراء را می‌توان نام برد. بنا براین حق حیات جز حقوق سلب ناپذیر و غیر قابل نقض است.

البته محروم شدن از حق حیات به این مفهوم نیست که روح انسان، از بدن جدا شود یا اینکه کسی تیری به فرق انسان فرو کند تا مصداقی بر این باشد که حق حیات آن شخص گرفته شد و یا مورد تهدید قرار گرفت بلکه حق حیات می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم سلب، مورد تهدید و تجاوز قرار گیرد. در مورد چگونگی سلب حق حیات و حفظ آن در ادامه اشاره می‌شود. حق حیات، قابل سلب نیست و نمی‌توان آن را از هیچ راهی سلب نمود. ارزشمندترین حق برای انسان حق حیات است.

ب- حفظ حق حیات

حفظ، نگهداری و احترام گذاشتن به حق حیات، یکی از مسایل مهم در جوامع امروزی است. دولت‌ها برای حفظ حقوق افراد قانون و مقررات وضع نموده تا افراد متجاوز را از تعرض و تجاوز به حقوق دیگران باز دارند و این نشان می‌دهد که حق حیات از تهدید و تجاوز محفوظ است قسمی که ذکر شد سلب حق حیات بطور مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند صورت گیرد، از این خاطر، باید برای حفظ و حمایت از آن چاره اندیشد، گرفتن حق حیات به طور مستقیم می‌تواند شامل شلیک گلوله به فرق انسان، فرو کردن چاقو بر قلب آن و یا زدن با سنگ یا چوبی بر پیشانی و سر انسان باشد که به صورت آنی و لحظه‌ای حق حیات او را می‌گیرد، از این خاطر است که این حق مورد حمایت است و هر کس حق دارد که به حیات اش احترام گذاشته شود.

ماده ۴ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، این حق را مورد حمایت قرار داده می‌گوید: هر شخصی دارای این حق است که به حیات او احترام گذاشته شود. (رهنمای محاکمات عادلانه سازمان عفو بین الملل، ۲۰۰۴، ۱۰۹).

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از اسناد بین‌المللی هستند که این حق را مورد حمایت قرار داده و بر حفظ آن تاکید کرده است. باید اذعان نمود که این حق به صورت غیرمستقیم نیز می‌تواند مورد سلب و تهدید قرار گیرد. مثلاً در موارد خشونت علیه زنان، بعضی از موارد خشونت سالب حق حیات به صورت غیرمستقیم می‌باشند، مانند لت و کوبی که منجر به معلولیت شود. معلولیت حق حیات را به صورت غیرمستقیم و تدریجی سلب می‌کند. معلولیت، زندگی آرام و خوش انسان را تلخ و بی‌معنا می‌سازد.

نمونه دیگر، عمل گروه طالبان ممانعت از تطبیق واکسین در کشور است که در دراز مدت باعث می‌شوند حق حیات هزاران طفل، مورد تهدید قرار گیرد. این در حالی است که حق حیات در قانون اساسی مورد حمایت بوده و هیچ‌کسی حق سلب آن را بدون مجوز قانونی ندارد. سلب نمودن حق حیات خلاف کرامت انسانی است و حتا ما حق نداریم برای مجرمین مجازات مرگ را اعمال کنیم چون جزای مرگ غیر انسانی تحقیر آمیز و با حق زندگی در تناقض است. (همان، ۱۰۹، ۲۰۰۴).

بنا بر این حفظ حق حیات هر انسان، امر حتمی و ضروری است و هرکس باید بر این آگاه باشد که حق تجاوز و بی‌احترامی به حق حیات دیگران را ندارد و نمی‌تواند بدون کدام مجوز قانونی آن را از دیگران سلب نماید.

مبحث دوم- حق حیات در اعلامیه جهانی حقوق بشر

طوری که در فوق ذکر شد حق حیات بنیادی ترین و اساسی ترین حق انسان است، دیگر حق‌ها در عدم حق حیات معنا نخواهند داشت. دیگر حقوق با وجود این حق معنا پیدا می‌کند یعنی انسان در پرتو حق حیات از سایر حقوق برخوردار می‌شود و این حق از زمانی که جنین در رحم مادر می‌باشد مورد حمایت قرار دارد. بر این اساس هیچ‌کسی حق ندارد حیات جنین را سلب نماید، چون این عمل خلاف قانون و بی‌حرمتی به حیات انسان و حق ذاتی آن محسوب می‌شود و سلب حیات جنین هم در قوانین و هم در ادیان جرم بوده و به هیچ صورتی قابل گذشت و چشم پوشی نمی‌باشد.

ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر این است که تمام انسان‌ها آزاد به دنیا آمده و در احترام گذاشتن به حقوق باهم برابرند، عقلانیت و وجدان به آن‌ها ارزانی شده لازم است تا با یکدیگر برادرانه رفتار کنند. یعنی اگر انسان‌ها باهم برابر و برادرانه رفتار نکنند حق حیات و زندگی همدیگر را تهدید کرده است.

ماده سوم این اعلامیه مقرر می‌دارد: هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. این ماده به سه اصل اساسی زندگی انسان‌ها اشاره دارد که حق زندگی نخستین اصل این ماده است و کلمه هرکس در این‌جا اشاره به هر انسان، بدون در نظر داشت تفاوت رنگ، عقیده، جنسیت و ... می‌باشد. حق حیات یکی از ارزشمندترین و

اساسی‌ترین حقوق انسان است که در این اعلامیه به صورت واضح مورد حمایت قرار داده شده. در این ماده به صورت روشن بر این اشاره شده که هیچ‌کسی از حق حیات محروم، نمی‌گردد و هیچ فردی حق سلب حیات دیگری در هیچ حالتی ندارد. این حق در قدیم به راحتی از انسان سلب می‌شد، مثلاً اگر فردی مرتکب جرم کوچکی می‌شد توسط رئیس قبیله حق حیات او و یا حق حیات خانواده‌اش گرفته می‌شد و کسی هم حق دخالت در کار رئیس قبیله را نداشت. علت و انگیزه این کار عدم قوانین و مقررات حاکم در جوامع بوده اگرچه ادیان خود نقش قانون و تنظیم‌کننده رفتار انسان‌ها را برعهده داشته‌اند باز هم نتوانستند جلو این کار را بگیرند. بر اساس اینکه ظلم انسان بر دیگر تحمل‌شدنی نبود و برخی بر آن شدن که جلو خود کامگی و خود مختاری انسان را در هم چون رفتارهای خلاف ذات و کرامت انسانی و سلب‌کننده حق حیات، انسان را بگیرند تا باشد دیگر حق حیات شان بر اثر این خود کامگی‌ها سلب نشود و این اعلامیه سندی در خور تحسین و ستایش است چون که ارزشمندی و والا بودن حق حیات و کرامت انسانی را به جهانیان نشان می‌دهد و از آن حمایت قاطع می‌کند.

امروزه حق حیات در قوانین داخلی اکثر کشورها مورد حمایت و احترام واقع شده و همچنان در اسناد بین‌المللی هیچ معاهده و اعلامیه وجود ندارد که در مخالفت با این اعلامیه باشد. همچنین در این اعلامیه در مواد زیادی به حق حیات مستقیماً اشاره نکرده است؛ اما از فحوی مواد این واضح است که در حمایت از حق حیات به شمار می‌رود.

مطابق ماده ۲۵ این اعلامیه هر انسانی سزاوار یک زندگی با معیارهای قابل قبول برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش می‌باشد این معیارها شامل خوراک، پوشاک، مسکن و... می‌باشند که اگر این موارد برای یک انسان در زندگی روز مره‌اش میسر نباشد نمی‌تواند به حیات خود ادامه بدهد و در صورت عدم این معیارها حیات انسان در خطر می‌باشد.

همچنان در این اعلامیه نه تنها حق حیات خود فرد مورد حمایت است بلکه حیات خانواده نیز مورد حمایت قرار گرفته و حکومت را ملزم به نگهداری آن نموده، چون خانواده رکن اساسی یک جامعه است و در یک خانواده حیات چندین انسان مطرح می‌باشد که اگر از طرف دولت مورد حمایت قرار نگیرد مورد تجاوز قرار می‌گیرد و منتهی به سلب حق حیات چندین انسان می‌شود.

در بند دوم ماده ۲۵ دوره مادری و کودکی را مورد حمایت قرار داده است، چون این دو دوره "مادری و کودکی" دوره خاص و حالت متزلزل برای هر دو می‌باشد که اگر توجه نشود و مورد حمایت قرار نگیرد تهدید جدی بر حق حیات و زندگی این دو می‌باشد مثلاً مادری، کودکی را به دنیا بیاورد در حین زایمان به شفاخانه انتقال داده نشود یا دکتری را برای مراقبت اش خبر نکنند می‌تواند هم تهدیدی به حیات مادر و حیات آن کودک باشد.

بر این اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر این دو دوره را مورد حمایت قرار داده است. همچنان در این ماده به این تاکید شده است کودک چه به اثر زناشویی به دنیا آمده باشد و چه غیر آن مورد حمایت واقع می شود یعنی می توان گفت که صرف نظر از رابطه قانونی و غیرقانونی زن و مرد، کودک از حق حیات برخوردار است، چون که حمایت از حق حیات انسان مطرح است هیچ کس حق ندارد حیات طفلی را سلب نماید که این طفل مشروع است یا نامشروع در اینجا مسئله مشروعیت و غیر آن مطرح نیست بلکه مسئله حیات یک انسان مطرح است.

مبحث سوم- حق حیات در قانون منع خشونت علیه زن

قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان که در روشنی احکام قانون اساسی در حمایت از حقوق زنان، به تاریخ ۱۳۸۸/۴/۱۵ وضع و تصویب گردیده است، دارای چهار فصل و ۴۴ ماده می باشد که فعلاً نافذ و قابل اجرا است. موارد خشونت علیه زن، در ماده پنج این قانون بیان شده که به ۲۲ مورد می رسند. بعضی از این موارد می تواند سالب حیات، به صورت مستقیم و غیرمستقیم باشد. موارد زیر از اعمال سالب حیات در قانون منع خشونت علیه زن به شمار می آید.

الف- فقره چهارم ماده مذکور "آتش زدن" است که می تواند سالب حیات باشد چون اکثر زنان در جوامع وقتی دست به خودکشی می زنند یا توسط آتش زدن این عمل را انجام می دهند یا توسط حلق آویز و یا هم توسط خوردن مواد زهری و کیمیاوی از این رو است که در این فقره "آتش زدن" جرم، عمل سالب حق حیات و تهدید کننده سلامتی فرد تلقی شده و در ماده ۲۰ این قانون برای عامل و به بارآورنده این نوع خشونت مجازات حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد در نظر گرفته است در فقره دوم ماده مذکور گفته است هرگاه عمل مذکور یعنی آتش زدن به ایجاد ترس و وحشت در جامعه به منظور حرمان زنان از حقوق مدنی باشد یا منجر به مرگ معینی علیها گردد، مرتکب به حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد.

ب:- فقره پنج این ماده مجبور نمودن به خود سوزی یا خودکشی است که به یقین سالب حیات می باشد. خودکشی از جمله معضلاتی است که در بیشتر دوره های تاریخی و در بین جوامع مختلف وجود داشته و مسئله جدیدی به شمار نمی رود. خودکشی در لغت به معنای خود را به وسیله ای کشتن و به زندگی خود پایان دادن آمده است). و در اصطلاح خودکشی از تهدید و اخطار به شخص ثالث می تواند باشد. (عسگری، Jiqs.ir).

از این تعریف چنین بر می آید که خودکشی تجاوز به حق حیات بوده و در این قانون خودکشی به هر شکلی که باشد جرم تلقی شده و عامل آن، مطابق ماده ۲۱ قانون مذکور قابل مجازات می باشد این قانون بر این اساس خودکشی را از نوع موارد خشونت بیان نموده و بخاطر حفظ حق حیات انسان و حمایت از آن برای مرتکبین جزا تعیین نموده است. در اکثر خودکشی زنان یک عامل و تحریک کننده در آن دخیل است از قبیل رفتارهای نادرست خانوادگی، نداشتن اجازه بیرون رفتن از طرف شوهر، سوء ظن شوهر نسبت به همسر، و یا عوامل دیگری

که منجر به خودکشی شان می‌شود بر این اساس در ماده ۵۴۸ کود جزا شخصی که دیگری را به خودکشی تحریک یا به نحوی از انحا در خودکشی وی کمک نماید که تحریک یا کمک آن منجر به خودکشی گردد به حبس طویل تا هفت سال محکوم می‌گردد. در فقره ۴ ماده مذکور شروع کننده به خودکشی مجازات نمی‌گردد. چون حق حیات، حق طبیعی و ذاتی هر انسان است صرف نظر از ویژگی‌های آن.

پ:- فقره ۶ ماده ۵ این قانون مجروح یا معلول نمودن است. قسمی که ذکر شده حق حیات به دو صورت سلب می‌شود مستقیم و غیر مستقیم که مجروح نمودن و معلول نمودن از عامل سالب حیات به صورت غیر مستقیم می‌باشد. در اثر مجروح شدن و معلول شدن انسان از حق حیات خود محروم می‌شود مثل اینکه دست آن قطع شود یا اینکه کمر یا پایش بشکنند این خود سالب حق حیات است زنده بودن و زنده ماندن به این معنا است که انسان بتواند فعالیت کند و از زندگی و حیات خود لذت ببرد وقتی از این‌ها محروم شود پس زندگی و زنده ماندن مفهومی ندارد. بنابراین قانون منع خشونت با ممنوع قرار دادن مجروح و معلول نمودن حق حیات را مورد حمایت قرار داده است و برای کسانی که جرم فوق را مرتکب می‌شوند در ماده ۲۲ این قانون مجازات تعیین نموده است.

ج:- در فقره ۷ ماده ۵ این قانون لت و کوب را ذکر نموده که این‌ها نیز تعرض به حق حیات به صورت غیر مستقیم و مستقیم است چون لت و کوب هم می‌تواند به صورت آنی و لحظه‌ای سلب حیات کند و هم به صورت تدریجی. قانون منع خشونت علیه زن این موارد بخاطر حمایت از حق حیات از جمله موارد خشونت آورده است تا باشد از طریق ممنوع قرار دادن این رفتارها از حق حیات حمایت کرده باشد.

د:- اجبار زن به اعتیاد مواد مخدر و کار اجاری از جمله مواردی‌اند که حق حیات را مورد تهدید قرار می‌دهند که این قانون موارد فوق را ممنوع قرار داده و برای مرتکبین این نوع اعمال مجازات تعیین نموده است.

ه:- فصل دوم قانون منع خشونت علیه زن تدابیر وقایوی و حمایتی را بیان می‌کند که این موارد در حمایت از حق حیات و سلامتی جسمانی زنان می‌باشد و تعداد از وزارت خانه‌ها، موسسات و نهادها را در مبارزه با منع خشونت و حمایت از حق حیات زنان مکلف نموده است. مانند وزارت امورزنان، وزارت ارشاد، حج و اوقاف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت اطلاعات و فرهنگ و... هر کدام مکلف‌اند در حدود صلاحیت، اختیارات، ساحه کاری و برنامه‌های خود از اعمال موارد خشونت علیه زن جلوگیری نموده و برنامه‌های موثر در زمینه حمایت از حقوق انسانی زنان صرف نظر از تفاوت جنسیتی شان طرح نموده و اطلاع رسانی نمایند تا افراد و اشخاص مرتکب هیچ نوع خشونت چه سالب حق حیات باشد یا غیر آن علیه زنان نگردند تا کرامت انسانی و حقوق ذاتی و اساسی آن‌ها زیر پا گذاشته نشود.

نتیجه

هدف از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، حمایت از حقوق اساسی و بنیادین بشر است و لب سخن این اعلامیه حمایت از حق حیات انسان در هر نقطه‌ای از جهان است و قانون منع خشونت هم که با اهداف خاص وضع شده و موارد خشونت در این قانون مشخص و معین می‌باشد در حمایت از حقوق ذاتی به ویژه حمایت از حق حیات تصویب شده است و همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر از حقوق اساسی انسان حمایت می‌کند تا باشد که حقوق افراد مورد تجاوز قرار نگیرد و خصوصاً حق حیات انسان مورد احترام باشد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون منع خشونت علیه زن نه تنها حیات فرد مورد حمایت است بلکه حیات خانواده هم که رکن اساسی جامعه است مورد حمایت قرار گرفته فقط با این تفاوت که قانون منع خشونت علیه زن هدف مشخص در این مورد دارد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر تفاوت‌های بی اساسی را که بین انسان‌ها در طول قرن‌ها، ایجاد شده بود را از بین برد و انسان‌ها را براساس انسان بودن شان دارای حق معرفی نمود و تمایز بین شان از هیچ لحاظی در دارا شدن از حق حیات و سایر حقوق نپذیرفت و قانون منع خشونت علیه زن هم اگر چه به گروه خاصی عنوان شده؛ اما حامی حقوق انسانی زنان در پهلوی اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد. از این دو چنین برداشت می‌شود که هیچ کس نمی‌تواند در هیچ گوشه‌ای از جهان حق حیات انسانی را سلب نماید و یا آن را مورد تهدید و تجاوز قرار بدهد و در صورت سلب حیات یا تهدید و تعرض آن رفتار خلاف کرامت انسانی و خلاف قانون و مقررات خصوصاً رفتاری که در تعارض با حکم و صراحت این دو، باشد را مرتکب شود مجازات می‌شود. خاستگاه اصلی اسناد متذکره در حمایت از حق حیات انسان‌ها بوده و هر کدام از اسناد فوق الذکر آثار عینی و قابل ملموسی را در راستای حمایت از حق حیات انسان‌ها هم در سطح ملی و بین‌المللی بجا گذاشته‌اند.

منابع و مأخذ

۱. آگاه، حمید، «قرآن، حق حیات و چالش‌های موجود» سایت، jgr.isca.ac.ir.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
۳. رسولی، عبدالحسین، حقوق اموال، انتشارات فرهنگ و انتشارات امیری، کابل چاپ دوم، سال ۱۳۹۶.
۴. رهنمای محاکمات عادلانه سازمان عفو بین الملل، کابل، چاپ، بهیرلمتد.
۵. خسرو شاهی، هادی و دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، انتشارات، موسسه امام خمینی، قم، چاپ یازدهم، سال ۱۳۹۰.
۶. طیبی، محمد شریف، درآمدی بر حقوق بشر، انتشارات، تمدن شرق، کابل، چاپ اول، سال ۱۳۹۵.

۷. عسگری، رضا « حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری از آن (jiqs.ir > iqna.ir)
۸. علیزاده، جواد، حقوق بشر نه کلامی بیش و نه کم، انتشارات آموزشی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران. 1387.
۹. فاگان، اندرو، اطلس حقوق بشر، مترجم، کوکبی، امید و خدایی، مهدی، armanshahrfoundation.openasia@gmail.com / www.openasia.org
۱۰. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲.
۱۱. قانون منع خشونت علیه زن، ۱۳۸۸.
۱۲. کود جزا ۱۳۹۶.
۱۳. مفتاح، احمدرضا، احسانی مطلق، محمدرضا، «حق حیات در ادیان توحیدی» سایت coth.ui.ac.ir
۱۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، ۱۹۶۶.
۱۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶.
۱۶. نوری، رضا، «درآمدی بر حقوق بشر» سایت [https:// fidib.com](https://fidib.com).